

سه‌شنبه ۱۴ شهریور ۱۳۹۶ ۱۴ ذی الحجه ۱۴۳۸ ۵ سپتامبر ۲۰۱۷

اخبار کوتاه

ماموریت غیرممکن لیورپول: احیای رابطه با کوتینیو

لیورپول از هفته آینده باید دوباره کارش را از سر بگیرد و باید از فلیپه کوتینیو در ترکیب تیمش استفاده کند. اما در شرایطی که این بازیکن دوست داشت در فصل نقل و انتقالات به بارسلونا برود و این تیم به نوعی مانع شد.

روز شنبه در لیست نهایی لیورپول برای بازی‌های فصل جاری نام او هم وجود داشت. اما با وجود این که خود کوتینیو از زمان منتفی شدن انتقالش هنوز صحبتی رسمی نکرده است، نیمار، هموطن و هم‌تیمی او در تیم ملی برزیل مدعی شده که کوتینیو غمگین و ناراحت است.

لیورپول پیش از این بازیکنان بزرگی را به بارسلونا و رئال مادرید فروخته بود، مانند ماسکرانو، ژاوی آلونسو و سوارس. اما این بار مانع رفتن کوتینیو شد. آن هم در شرایطی که بارسا به دنبال جانشین نیمار بود و اگر می‌توانست این بازیکن را به خدمت گیرد او کار سختی برای راهیابی به ترکیب تیم صلی نداشت.

در تئوری کوتینیو برای بازی لیورپول مقابل منچسترسیتی در رقابت‌های لیگ برتر آماده است، اما تیم کلوپ بدن او هم خوب کار کرده و بعید است سرمربی آلمانی تصمیم بگیرد خیلی زود این بازیکن را وارد ترکیب اصلی تیمش کند.

از طرفی در مطبوعات آمده بود که او برای رفتن همه تلاشش را کرده و در تمرینات تیم هم حاضر نشده است. در نتیجه این که دوباره رابطه او با سرمربی و دیگر بازیکنان تیم مانند قبل باشد مطمئنا راحت نخواهد بود.

کلوپ همیشه گفته بود که تصمیم نفروختن کوتینیو توسط سران باشگاه گرفته شده و در صحبت‌هایش با خوبی می‌شد مصیبت آن از کوتینیو به خاطر کارهایی که کرده دید.

بارسلونا گفته بود لیورپول برای فروش او ۲۰۰ میلیون یورو درخواست کرده و البته باشگاه انگلیسی این موضوع را رد کرد و مدعی شد از اول به بارسا گفته که این بازیکن فروشی نیست. اما هرچه باشد کوتینیو باید در لیورپول به بازی کردن ادامه دهد و برای این کار هم سختی‌هایی پیش رو خواهد داشت. از طرفی لیورپول که او را به هر ترتیب در تیمش نگه داشته هم باید سعی کند ستاره برزیلی را به روزهای اوج بازگرداند تا به بهترین شکل در فصلی که در لیگ قهرمانان حاضرند از او بهره ببرد. اما برای آن‌ها هم این کار دشوار خواهد بود.

خطر جدی فوتبال را تهدید می‌کند!

خوزه فلیکس دیاز

یوفا از همیشه برای اجرای قانون فیرفیلی مالی جدی است و ماموریت بررسی عملکرد مالی باشگاه‌ها را در دستور کار قرار داده است. این موضوعی است که الکساندر سفرین پافشاری زیادی روی آن دارد. خبرنگاران در طول تابستان بارها از یوفا خواسته بودند که بررسی فیرفیلی مالی باشگاه‌ها را انجام دهد و در رسانه‌هایشان از این باره مطالبی هم نوشته بودند. اما تا زمانی که به طور رسمی پنجره نقل و انتقالات بسته نشده بود چنین چیزی ممکن نبود.

یوفا پیش از این بررسی‌هایی کرده بود و در نتیجه آن دو تیم منچسترسیتی و پاری‌سن ژرمن با جریمه‌ها و محرومیت‌هایی مواجه شده بودند. ۳ سال از آن محرومیت‌ها می‌گذرد و دوباره تیم فرانسوی باید زیر ذره‌بین یوفا برود.

نکته جالب اینجاست هر دو باشگاهی که پیش از این جریمه شدند توسط مالکان ثروتمند عرب، یکی قطری و دیگری اماراتی اداره می‌شوند و هر دو با هدف توسعه تیم‌هایشان سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی در آن‌ها کرده‌اند.

یوفا اما به خوبی می‌داند که باشگاهی مجاز نیست در یک تابستان و یک بازار نقل و انتقالاتی ۵۰۰ میلیون یورو صرف خرید بازیکن کند. غیرممکن است. این فوتبال نیست یا حداقل چیزی نیست که فوتبال قرار بوده باشد. با این خرج کردن‌ها، استراتژی‌های اصلی فوتبال زیر سوال رفته است.

حالا هواداران همه تیم‌ها از مالکانشان انتظار دارند که برای تیم خرج‌های نجومی کنند و اگر قرار باشد همه تیم‌ها این کار را کنند یوفا به خوبی می‌داند که کنترل کردن این قانون کار آسانی نخواهد بود. به همین دلیل است که فوتبال با خطری جدی مواجه است. باید اقدامی جدی صورت گیرد، باشگاه‌های بزرگ‌تر باید با خرج نکردن چنین پول‌هایی با یوفا همکاری کنند و اجازه بدهند این ورزش با شیوه کلاسیک خودش پایا برجا بماند.

انتظار این است که این روند از همین فصل آینده تغییر کند، نه چیزی دورتر از آن. باشگاه‌ها باید ارقام کمتری برای بازیکنان بپردازند. یوفا هم با جدیت قانون فیرفیلی مالی‌اش را پیگیری کند. نباید فراموش کنیم، با این شرایط فوتبال شدیداً در خطر است.

لوپتگی حالا حمایت کل اسپانیا را دارد

خوزه فلیکس دیاز

حس عجیب تیم ملی اسپانیا در رقابت‌های جام جهانی ۲۰۱۴ و یورو ۲۰۱۶ که نشان از فاصله گرفتن این تیم از دوران قبل از آن و موفقیت‌ها با نسل طلایی‌شان داشت، به لطف خولن لوپتگی از بین رفته است.

در شرایطی که از بازیکنان آن نسل طلایی مانند ژاوی و ایکر کاسیاس دیگر هیچ کس در تیم نمانده است، سرمربی سابق پورتو مجبور بود بازیکنان جدیدی را پیدا کند تا بتواند به آن‌ها اعتماد کند و البته نمی‌توانست خیلی زود هم درها را به روی بازیکنان قدیمی‌تر ببندد.

بازی روز شنبه مقابل ایتالیا به وضوح نشان داد که لوپتگی چقدر خوب از پس این کار بر آمده است. در شرایطی که این تیم ترکیبی از تجربه و جوانی دیده می‌شود که در نتیجه آن اندرس اینیستا در کنار ایسکو بازی می‌کند. دавید دخنا خیال همه را از دروازه راحت کرده و دواوید ویا هم بازگشتی با شکوه به تیم داشته که مورد استقبال هواداران هم قرار گرفته است. حال و هوای تیم ملی تغییر کرده و در واقع نوعی هماهنگی به وجود آمده است. حالا لوپتگی ترکیبی از زین‌الدین زیدان، پپ گواردیولا و زین‌الدین زیدان به نظر می‌رسد و رابطه خوبی هم با بازیکنان تیم دارد. این رابطه قوی با بازیکنان بوده که باعث شده تیم با وجود زرد کمی که برای آماده شدن داشته، بتواند این چنین بدرخشد. از طرفی لوپتگی مربی‌ای است که دوست دارد با استراتژی بازی کند و در واقع همین علاقه او بود که باعث درخشش ایسکو و آسنسیو در تیم شد.

این مربی تشنه موفقیت است و در همین راستا بود که چندی پیش وقتی تیم برای آماده شدن بازی‌های دوستانه انجام می‌داد، این را به همه بازیکنان تفهیم کرده بود که چیزی به عنوان بازی دوستانه وجود ندارد و هر بازی که انجام می‌شود بازی بزرگی است. این طرز فکر او است که باعث روحیه و انگیزه مناسب لاروخا شده است.

همچنین لوپتگی مربی‌ای جوان است که خیلی زود با شرایط هماهنگ شده. او توانسته یک بار دیگر اسپانیا را متحد کند تا برای بازگشت به روزهای اوج و رسیدن به موفقیت در سطح دنیا تلاش کنند.

دغدغه اصلی ونگر: بر خورد با الکسیس

گری نویل

بعد از این که پیشنهاد ۶۰ میلیون پوندی منچسترسیتی برای الکسیس سانچس رد شد، این بازیکن باید آخرین سال قراردادش را هم در لندن بگذراند. اما بزرگ‌ترین دغدغه آرسنال باید این باشد که خطور انگیزه از دست رفتن او را بازگرداند. باید دید او آن بازیکن گذشته می‌شود که همه سطح و سبک بازی‌اش را دوست داشتند یا بازیکنی که در چند ماه گذشته دیدیم که مدام معترض بود و هیچ شباهتی به گذشته‌اش نداشت. در چند ماه اخیر او تبدیل به بازیکنی شده است که به سختی قابل تحمل است، عصبی به نظر می‌رسد و لحظه به لحظه حضور در آرسنال او را آزار می‌دهد. اوجش را هم در آنفیلد دیدید. بعد از ۲۰ دقیقهٔ او بازی و در حالی که اوضاع آن طور که می‌خواست نبود، با تک تک همه تیمی‌هایش با عصبانیت صحبت می‌کرد و به آن‌ها اعتراض می‌کرد.حالا او باید در آرسنال بماند و نکته جالب توجه این است که ببینیم او در بازی‌های آینده خطور خواهد بود و چه عملکردی را ارائه خواهد داد. همین حالا اگر به خط حمله آرسنال نگاه کنید با بازیکنانی مواجه می‌شوید که انقدر قدرتمند هستند که باید هر تیمی را از پیش رو بردارند. آن‌ها مسوت اوزیل، الکسیس سانچس، دنی ولیک، الکساندر لازکاز و البویه ژیرو را دارند. این یعنی باید در بازی‌ها نه فقط یک گل، بلکه گل‌های زیادی بزنند. البته همه می‌دانیم که آرسنال در خط میانی مشکلاتی دارد و در خط دفاع هم مدافعان این تیم می‌توانند بهتر کار کنند. اما اگر بازیکنان همین حالا هم تصمیم جدی بگیرند که بهتر از این کار کنند، آن وقت این شانس را دارند که فصل خوبی داشته باشند. همه چیز بستگی به این دارد که وقتی بازیکنان در تمرین هستند روحیه‌شان خطور است و چه روابتی در تمرینات دارند. اولین روز بعد از بازگشت ونگر و بازیکنان از تعطیلات بین‌المللی روز بزرگی برای سرمربی فرانسوی خواهد بود. او باید نشان دهد که رابطه خوبی با بازیکنان دارد و همه تلاشش را بکند تا بازیکنان بهترین بازی‌شان را در رقابت‌های فصل جاری ارائه دهند. هرچند که این هفته شایعات زیادی وجود دارد و خیلی از مطبوعات مدعی شدند که بازیکنان از سران باشگاه خواستند که ونگر برکنار شود. این مشکل بزرگی برای توپچی‌ها است و بیشتر از همه مشکل آرسن ونگر است.

اتفاقات بازی رفت انگیزه ایرانی‌ها را زیاد کرده است

سایت آلمانی: احتمال تبانی در بازی ایران – سوریه صفر است

سایت آلمانی درباره احتمال تبانی در بازی دو تیم ملی فوتبال ایران و سوریه نوشت که احتمال تبانی در این بازی چیزی در حد صفر است.

به گزارش سایت آلمانی SHZ، دو تیم ملی فوتبال ایران و سوریه سه‌شنبه در ورزشگاه آزادی آخرین دیدار خود در انتخابی جام جهانی ۲۰۱۸ را برگزار خواهند کرد. سایت آلمانی SHZ پیش از بازی نوشت: در حالی که گفته می‌شود احتمال تبانی بین دو تیم ایران و سوریه وجود دارد، کارلوس کی‌روش، صراحتاً عنوان کرد که به هیچ وجه چنین چیزی مطرح نیست و با قدرت به مصاف سوریه خواهند رفت. تیم ملی فوتبال ایران صعود خود را به جام جهانی قطعی کرده و بازی آنها با سوریه فقط تشریفاتی است. این در حالی است که دو تیم ملی فوتبال ازبکستان و کره جنوبی باید در دیداری مهم و حساس در تاشکند برابر هم به میدان بروند تا تیم دوم گروه به جام جهانی مشخص شود. با توجه به این که دو تیم ایران و سوریه کشورهای اسلامی محسوب می‌شوند و از لحاظ سیاسی نزدیک به هم هستند، دو کشور کره جنوبی و ازبکستان ترس از احتمال تبانی در این دیدار را دارند. با این حال به نظر نمی‌رسد نزدیکی سیاسی باعث تبانی در این بازی شود، چرا که اتفاقات بازی رفت در مالزی باعث شد که انگیزه ایرانی‌ها برای انتقام دو چندان شود تا آنها بتوانند در تهران تیم ملی فوتبال سوریه را شکست دهند.

روزنامه‌صبح ایران

استخبارات

آینده مبهم بارتومئو: دوره ریاست به پایان می‌رسد؟

خوان وهیلاز

بارتومئو از عملکرد اعضای هیئت مدیره یا برخی از آن‌ها راضی نیست. در واقع دوست دارد اعضای جدیدی را انتخاب کند، اما می‌داند تا زمانی که او استعفا ندهد چنین چیزی ممکن نیست. یکی از افراد مشهور در تیم مدیریتی او یوردی مستره است که جمله ۴۰۰ درصدی‌اش کاملاً شهرت پیدا کرده است. مانل اروبو دیگری است که البته در ماه‌های اخیر نامی از او به میان نبوده و نمی‌شود مشکلات اخیر را زیاد به او نسبت داد.

یکی دیگر از این افراد یوردی کاردونر است، اما بارتومئو می‌داند برنامه او برای مدیر شدن است و این کمی اوضاع را متفاوت کرده است. در نهایت هم کارلس ویلاروبی، کسی که بارتومئو بیش از همه به او گوش می‌دهد. شاید به این دلیل که او یکی از معدود افرادی است که به بارتومئو دقیقاً می‌گوید چه فکری در سر دارد.

از دیگر افراد رئیس با حاویر بورداس ارتباط زیادی مخصوصاً در این تابستان داشته است. مستر ویلاروبی نقش زیادی در نقل و انتقالات دارد و صحبت از این است که شاید او جانشین مستره شود. از افراد دیگر هم بارتومئو از خوان بلاده، پائو ویلانو، جوزپ رامون ویدال آلبراک و دیگران رضایت دارد، اما از ترانسفرهای اخیر باشگاه اصلا.

اما رابطه دوستانه بین کارلس پیگدمونت، یکی از مدیران بارسا با خوان لاپورتا، رئیس سابق بارسا هم این روزها سوژه بسیاری از صحبت‌های بارسا است. افراد نزدیک به بارتومئو فکر می‌کنند او می‌خواهد دوباره لاپورتا مدیر باشد چون دوست دارد بارسا دوباره در داستان استقلال کاتالونیا نقش بیشتری داشته باشد و لاپورتا آن‌ها را به چنین هدفی می‌رساند. هرچند

که منابع نزدیک به پیگدمونت معتقدند او از وضعیتش راضی است و چنین تصمیماتی ندارد. او البته در خانه پیلار راهولا، خبرنگار اسپانیایی با هم ملاقات کردند، اما ادعایشان این بود که این ملاقات هیچ ارتباطی به بارسلونا نداشته است. یکی دیگر از افرادی که نگران اعضای هیئت مدیره فعلی است خوامه وورس است، مالک مدیاپرو. جدال رسانه‌ای او با راسل، دوستی‌اش با کرویف و لاپورتا و ارتباطاتش با منچسترسیتی نشان می‌دهد نمی‌توان او را جزو افراد وفادار به بارتومئو دانست. در برنامه تلویزیونی TV۳ آمده که صندلی‌های خالی در بارسا وجود دارند و رابطه بین سران این باشگاه هرگز تا این اندازه بد نبوده است. طبق ادعای این برنامه سران باشگاه به وعده‌هایشان عمل نکردند و به همین دلیل باید تصمیماتی

گرفته شود. اما خیلی‌ها می‌گویند این کمپینی است که توسط ویسننت سانچس راه اندازی شده، یکی از مدیران این شبکه که رابطه خوبی با لاپورتا دارد. او همیشه هم از بارتومئو انتقاد کرده و البته از مدیریت راسل هم راضی نبوده است. با تلاش او این شبکه تلویزیونی و رادیو کاتالونیا هم مقابل باشگاه کاتالانی قرار گرفتند و در طول این سال‌ها کار برای بارتومئو بسیار سخت‌تر شد. با وجود همه این مشکلاتی که بارتومئو در باشگاه دارد، می‌داند که اگر نتایجی که تیم در زمین کسب می‌کند خوب باشد، اوضاع برای او هم خوب خواهد بود. به همین دلیل هم باشگاه را آخرین لحظه تلاش کرد تا بازیکنان مد نظرش را جلب کند. البته که خودش هم می‌داند با تلاش دشمنان و اتفاقات اخیر شدیداً محبوبیتش را نزد هواداران باشگاه از دست داده است.

بارتومئو با درصد خوبی توانست ریاست بارسا

ورزشی

شماره ۲۲۹۱

آینده مبهم بارتومئو: دوره ریاست به پایان می‌رسد؟



را برنده شود، اما حالا رقبای او شدیداً تقویت شده‌اند. او این موضوع را می‌داند و به همین دلیل است که نگران شعارهای «بارتومئو باید برود» هواداران در مراسم معارفه دمبله است.

شاید افرادی که به مدیر بارسا وفادارند به هر شکلی توضیح دهند که مشکلات سیاسی است یا کمپینی است که خبرنگاران علیه او راه انداختند. اما راه بهتر این است که با مشکلات رو به رو شوند. اگر سعی در بهانه‌تراشی کنند بارتومئو خیلی زود برکنار خواهد شد، اما اگر با مشکلاتشان مواجه شوند شاید او در بارسا آینده‌ای داشته باشد.

اگر بارتومئو اشتباهاتی که اخیراً انجام داده را تشخیص دهد و تغییراتی حاصل کند که بتواند بارسا را به روزهای اوج بازگرداند، آینده‌اش در باشگاه هم تضمین شده است. شاید معجزه‌ای برای او رخ دهد و او بتواند دوران ریاستش را به پایان برساند. البته اصلا کار ساده‌ای نیست.

خرید توس، اشتباه بزرگ شانگهای شنهوا



این تیم نیکولا آنلکا و دیدیه دروگبا بازی می‌کردند اوضاع خیلی فرق می‌کرد. این زمان آمدن توس به شانگهای انتظارات از این تیم بسیار بالا بود و انتظار می‌رفت اوضاع برای تیم چینی خیلی بهتر شود. او هم فاجعه نبوده، اما بازی کردن و نکردنش هم فرقی نداشته است. حالا هواداران شانگهای که جمعیت زیادی هم در آسیا دارند، هیچ چیز از توس ندیدند که به نظرشان این بازیکن ارزش پولی که برایش پرداخت می‌شود را داشته باشد. این که او از آرژانتین به چین بازگشت هیچ کس را متعجب نکرد، اما اگر فصل آینده او دوباره در این تیم باشد مطمئنا افراد بسیاری را در دنیا شوکه خواهد کرد.

خوبی این مسائل را درک می‌کنند. از اولین بازی توس در شانگهای شنهوا مشخص بود این خرید، خرید ویژه‌ای نبوده است. اولین بازی او در پلی‌آف لیگ قهرمانان آسیا و بازی مقابل بریزبین رور بود که با شکست ۲ بر صفر تیم نامتعادل چینی همراه بود. ایده‌های هواداران این تیم برای درخشش در لیگ محلی با حضور توس هم عمری طولانی نداشت و با وجود برد ۴ بر صفر و عملکرد خوب در اولین بازی، این تیم یک امتیاز از ۳ بازی بعد کسب کرد و در همه این بازی‌ها هم نشان داد که تیمی بی‌کیفیت است.بعد از آن توس مصدوم شد و شانگهای در غیاب او دو بازی بعد را برد و بهترین بازی فصل را هم مقابل چانگیون انجام داد. هر زمان که توس شرایط جسمانی مناسب داشته در ترکیب تیم قرار گرفته، اما ارانه بازی خوب توسط او چیزی بوده که تداوم نداشته است. او در تیمی از ۲۲ بازی شنهوا حضور داشته و تنها ۲ گل زده است که یکی از آن‌ها هم از روی نقطه پنالتی بوده است. تیمشان هم در جدولی ۱۶ تیمی یازدهم است. انتظار می‌رفت با حضور توس در این تیم شاهد خط حمله‌ای ایده‌آل باشیم، اما این طور نشد!او حتی بیرون از زمین هم سردرگم است. گلس پویت، سرمربی تیم، گفته بود زبان چینی پیچیده است، اما برخی اینجا بیشتر با غذاها مشکل پیدا می‌کنند و توس از آن دسته است. ابتدا که برای مدتی طولانی او هیچ چیز نمی‌خورد. اما حالا یک بازیکی فراهم کردیم و او فقط کباب می‌خورد.شرایط شنهوا با توس هم فرقی نکرده است. اما زمانی که در

جان دودن

«فراداد من بسیار پیچیده است و برایم بازگشت به بوکاونیورز بسیار سخت است». این صحبت هفته گذشته کارلوس توس با مطبوعات آرژانتینی است. حالا بسیاری از هواداران شانگهای شنهوا هم فهمیده‌اند که خرید کارلوس توس در ازای رقمی به این هنگفتی اشتباه بزرگ و پول تلف کردن بوده است.

طبق گزارشات دستمزد هنگفتی او ۶۴۴ هزار پوند است و با این رقم او پردرآمدترین بازیکن دنیاست. با این حال بسیاری از هواداران شنهوا در شبکه‌های اجتماعی از اشتباه خرید این بازیکن نوشته‌اند و مدعی شدند حتی بعد از بازگشت او از بونیس ایرس هم تغییری در تیم ایجاد نشده است. او به خاطر مصدومیت در ماه آگوست به آرژانتین رفته بود و قبل از پایان ماه بازگشته بود.حالا هواداران شنهوا برای او لقبی انتخاب کردند: لقبی که مربوط به تلفظ نام او به چینی است:«پسر دور از وطن». مطمئنا در منچسترسیتی هم این حس چینی‌ها را خوب درک می‌کنند. در سال ۲۰۱۰ هم تیمی او در سیتی، روکه سانتاکروز چنین توضیح داد:«دوست دارد در میان هموطنان خودش باشد، کسانی که در آرژانتین هستند. دلش برای خانواده‌اش تنگ شده، دختر و اقوامش آنجا هستند… وقتی احساس کنی کشور و زادگاهت تو را فرا می‌خواند، حاضری همه چیز را فدا کنی تا برگردی». حالا چینی‌ها به

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

۱- پیش از آنکه تیم کی‌روش عازم جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه بشود، به شدت بی‌تایم برای دیدن فیلم مستند «یاشین» که قرار است همین روزها به دستور ولادیمیر پوتین و در ستایش این «عنکبوت سیاه» ساخته شده و هم‌زمان با جام جهانی در سینماهای مسکو نمایش داده شود. از همین الان، من به شدت بی‌تایم برای دیدنش. برای دیدن آن «هشت‌پای مشکی که نه تنها سالار قفس‌های توری بود، بلکه در بیرون از چمن‌ها نیز وصف جنتلمنی و آقای‌اش ورد زبان مردم عالم بود. مستندی که برای دیدنش خواب و خوراک ندارم. اما اگر از من بپرسید دوست داری کارگردانش سرگئی ایزنشتاین باشد یا تارکوفسکی؟! می‌گویم ایزنشتاین. آقای پوتین! برو از قبر بیاورش بیرون. یاشین را نمی‌توان دست هر آکتوری سپرد. اسبش راه می‌گذارد ۲۰۰ سالی که دنیا را تکان داد! ۲۰ سال محافظت از توری‌های مرواریدنشان که پای هر ابرستاره‌ای به فتح آن نرسیده است. عنکبوت سیاه کی بودی تو؟

۲- آن روزها که یاشین بهترین گلر کهکشان‌ها بود، هر دروازه‌بان ایرانی حداقلش سعی می‌کرد کبی درجه سه‌ای از او باشد. حتی برای کودکان آرزومندی که در زمین‌های خاکی حلیی‌آباد، وسُشان به خرید روپ نمی‌رسید و به جای آن به حلیی‌ها یک کیلویی توپ نباتی قو می‌شویدند، یاشین‌بودن فضیلتی درنکات بود. گیرم چشمه‌هایشان مشکی بود و در عمرشان مثل یاشین ۱۵۰ پالتی مهار نکرده بودند. از گلرهایی که دهانشان بوی شیر می‌داد، تا پیه‌خور (مجرب) جهان سوم، تا جهان سیاه آفریقا، همه‌ی‌شان آرزو می‌کردند اگر انعطاف‌پذیری و شجاعانشان به لنو یاشین نرفته، حداقلش مثل او کلاهی «کبی» به سر بر بگذارند و ادای عنکبوت سیاه مسکو را دربیآورند چند سال بعد از بازنشستگی ایردروازدهان جهان، مادر بزرگ وقتی شنید پزشکان پای او را بریده‌اند، نشست آبغوره گرفت. من هم با به پایش آمدم؛ اقتدرها که هنوز چشم‌ام خیس است. من برای دلقکی‌های سب مایر، اقتدرها نخندیدهم که برای بی‌پایی او گریستم.

۳- شاید هنوز گلری به انعطاف‌پذیری، شجاعت و بازی‌خوانی او در دنیا نيامده باشد، اما فوتبال مدرن این تفاوت را نسبت به نسل یاشین داشته که دروازه‌بان امروز به عنوان یک لیبروی پا به توپ، نود دقیقه باید در بازی‌سازی تیمی، نقشی ممتاز به عهده بگیرد که این در فوتبال به سبک «مات دیلیو» (MW) مدک نبود. گیرم خود یاشین به عنوان مبدع سبک «گلر- لیبرو» همیشه در آغاز بازی‌سازی تیمی، نقشی به عهده داشت و هرگز خود را در حبس ابدی‌های شش‌قدم قفس توری، محبوس نمی‌کرد. یادم هست قدیم‌ها مربیان

عنکبوت مشکی

درباره «لئو یاشین»، اسطوره دروازه‌بانی جهان

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار

ایراهیم افشار